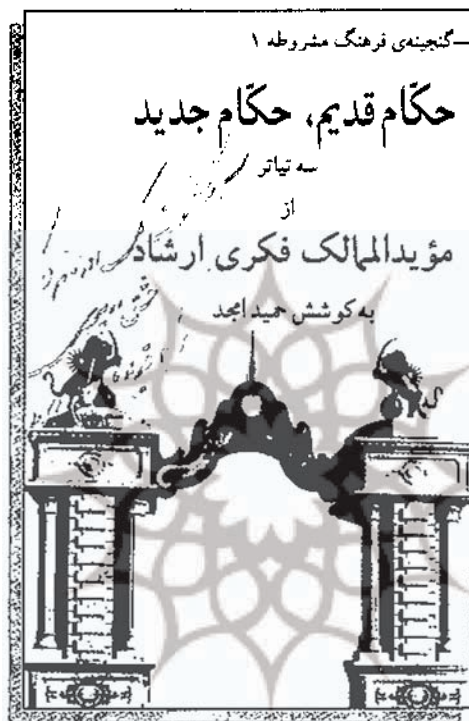


خواندن تیاتر مؤید الممالک

● محمدرضایی راد
منتقد، پژوهشگر، و روزنامه نگار

■ حکام قدیم، حکام جدید
■ مؤید الممالک فکری ارشاد
■ به کوشش و ویرایش حمید امجد
■ انتشارات نیلا
■ چاپ اول ۱۳۷۹



میرزا ابوالقوارس نیز می‌گوید: «گرفتن امتیاز کلیتاً به سهولت و آسانی مسیر نیست. شش ماه، هفت ماه، بلکه بیشتر طول دارد تا درخواست به وزارت معارف برود. هویت اشخاص را ملاحظه فرمایند» یا: «اگر یک خبر مهم بنویسیم، از منبع خبر می‌پرسند و خبرنگار را می‌خواهند». خسروخان هم پس از توقیف روزنامه به دلیل چاپ مقاله‌ی «حکام قدیم، حکام جدید» خطاب به رییس محکمه می‌گوید: «اسناد من همگی حاضر است و من می‌توانم مدلل کنم، ولیکن مطابق قانون اساسی، محاکمه‌ی مطبوعات باید در حضور هیات منصفه باشد و بدبختانه دولت تاکنون موفق به تعیین هیات منصفه نشده و لازم است از طرف محکمه و مدعی العموم و این جانب هیاتی تعیین شود تا در حضور آن هیات دفاع خود را نموده و مدلل دارم...» در همین پرده یک جا حاضران در محکمه فریاد می‌کشند که «زندباد آزادی، زنده باد قانون، پاینده باد مطبوعات» و باز در جای جای آن می‌توان بحث قانون مطبوعات و تضيیقات غیر قانونی نسبت به روزنامه‌نگاران را مشاهده کرد. به یاد داشته باشیم که این نمایش در سال

سند ارزشمندی از دوران مشروطیت است، امامی توان به یک باره همه‌ی مسایل دوران ما، جدال تجدد و سنت، طلب قانون، بیوروکراسی و رشوه‌خواری دوایر دولتی، بر قرار بودن روح حکومتگری قدیم در اشکال حکومتی نوین، مطبوعات و بسیاری مسایل دیگر را در آن دید. با نمایش‌های فکری ارشاد می‌توان این نکته‌ی مغفول را آشکار کرد که مسیر تجدد از دوران مشروطیت تا به امروز چون زنجیری امتداد دارد، به رغم قضاوت شکل‌ها، زبان گفتمان‌ها و وقایع تاریخی بنیادین، هنوز هسته‌ی اصلی آرمان‌های مشروطیت، به مثابه نخستین چالش روح ایرانی تجدد طلب با بنیادهای سنتی همچنان پایدار است. به عبارت دیگر وقایع تاریخی سده‌ی اخیر، و جوهی دیگر از منشور این چالش بنیادین را می‌نمایاند. از همین روست که امروز به شکلی شگفت‌انگیز مسایل نمایش‌های فکری ارشاد را گرداگرد خویش می‌یابیم. در نمایش «سرگذشت یک روزنامه نگار» مذبذب الملک می‌گوید: «شما باید احتیاطاً سه چهار امتیاز بگیرید، که اگر یکی توقیف شد، فردا به اسم دیگر منتشر نمائید».

از چند منظر می‌توان به نمایش‌های مؤید الممالک فکری ارشاد نگاه کرد، و به طبع نخستین و مهم‌ترین منظر، شناخت آثار او در تاریخ کم سن و سال نمایشنامه نویسی ایران و نقش این آثار برای گشایش فضاهای جدید در نمایش ایرانی است. پیش از هر چیز می‌بایست به درونمایه، فضا و زبان آثار مؤید الممالک نگریست؛ اما این منظری است که پیش از این در مطالعات دیگر پی گرفته شده است، و حمید امجد ویراستار مجموعه‌ی نمایش‌های مؤید الممالک، خود پیش از این در کتاب ارزشمند «تیاتر قرن سیزدهم» به تفصیل به این منظرها پرداخته است. اما می‌توان از منظری دیگر نیز به آثار مؤید الممالک فکری ارشاد نگاه کرد و آن خواندن آثار او در روزگار معاصر است. می‌توان کوشید تا از طریق دریافت و مسایل دوران خویش با آثار این نویسنده‌ی دوران مشروطیت هم‌پرسی، و به گونه‌ای شگفت‌انگیز مسایل دوران خود را در آثار نمایشی فکری ارشاد جست و جو کرد. با این رویکرد آثار فکری ارشاد، در قیاس با همگنانش، ارزشی بی‌بدیل دارد. زیرا اگرچه

۱۲۹۲ نوشته شده است. بی شک فکری ارشاد به عنوان یک روزنامه نگار و نماینده نویسنده سیاسی، در پی بازگفت مسایل دوران خود بوده است، اما همچنان که مشاهده می‌کنیم این مسایل به شدت خواننده‌ی امروزی را به یاد اتفاقات دوران خود می‌افکند، پیش از این، زمانی میرزا فتحعلی آخوندزاده، در نقد و تصحیح نمایش‌های میرزا آقا تبریزی، برای او نوشت: «آن رفیق شما که نقل رویه شیخ سعدی را به شما خاطر نشان کرده است، حق دارد. نوشتن و منتشر کردن این قبیل چیزها در حق معاصرین محل خطر است. وانگهی در مملکتی مثل ایران که هنوز بر عمل چاپ و تصنیفات ارباب خیال آزادی مطلق داده نشده است، پس چه باید کرد؟ مطلب نیز خیلی عمده‌گی دارد، نوشتن بسیار واجب است... علاج آسان است. تاریخ وقوع گزارش را می‌اندازید به عصر شاه سلطان حسین صفوی که در دولتش نظم نبود. گویا در عصر سلطنت او اشرف خان [= شخصیت اصلی نمایش «سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان»] از عربستان می‌آید و بدان بلا گرفتار می‌شود. در آن صورت هیچ کس گریبان شما را نمی‌تواند گرفت و معاصرین هم حساب خودشان را از این سرگذشت خواهند برد...».

نوشته‌ی میرزا فتحعلی آخوندزاده بسیار با اهمیت است، زیرا نشان می‌دهد که نمادپردازی و تمثیل‌سازی یکی از راه‌های گریز ادبیات و هنر معاصر برای گریز از چنگال نظارت‌ها بوده است بیضایی به دوران مغولان گریز زده و شاملو تمثیل‌های کودکانه سروده است. آیا اکنون معنای عمیق‌تری از عنوان «تمثیلات» آخوندزاده بر ما گشوده نمی‌شود؟ بی تردید آن چه آخوندزاده فرا راه میرزا آقا تبریزی نموده است، به هیچ وجه نمی‌توانست مورد توجه مؤید الممالک قرار گیرد. مؤید الممالک را نخستین نماینده نویسنده سیاسی ایران خوانده‌اند. استاد او به آثار مکتوب روزنامه‌ها و وقایع آن دوران به نمایش‌های او وجه مستند می‌بخشید. اما عجب آن که اگرچه مؤید الممالک این راه حل آخوندزاده رابه کار نیست، با این همه نمایش‌های او امروز برای ما همان خصوصیت تمثیلی دوران شاه سلطان حسین صفوی را یافته است. زمانی میرزا آقا تبریزی می‌توانست برای گریز از فشارهای معاصرین به عصر شاه سلطان حسین تمسک جوید، چرا امروز نتوان از دوران مشروطه و نمایش‌های مؤید الممالک خوانشی نوین ارایه داد؟

در نمایش «عشق در پیری» ندیم دیوان، که به نوعی خود مؤید الممالک است، به سرتیپ می‌گوید: «تیا تر تالی تلو یک روزنامه‌ی مهم است، بلکه آینه‌ی تمام نمای اشخاص است. تیا تر یگانه معلم اخلاقی و یک مربی علمی و اقتصادی‌ست. تیا تر بیدارکننده‌ی خفتگان و هوشیارکننده‌ی مدھوشان است. به وسیله‌ی تیا تر ظلم هر ظالمی گفته می‌شود و فسق هر فاسقی از پرده بیرون آید». در واپسین پرده‌ی نمایش «حکام قدیم، حکام جدید» احمدخان با زبان مشابهی همین توصیفات را برای روزنامه به کار می‌برد و می‌گوید: «اگر ما خودمان زبان گفتن نداریم، روزنامه‌ها داغ دل ما را می‌گیرند.» آنچه در این نمایش‌ها بدیع می‌نماید، ورود



به دورانی‌ست که برای نخستین بار اهمیت روزنامه و تئاتر را به عنوان دو شیوه‌ی بیانی برای بیان مسایل نوین کشف کرده است. از همین رو بی جهت نیست که مؤید الممالک درونمایه‌ی مقاله‌ی «حکام قدیم، حکام جدید» را که در نمایش «سرگذشت یک روزنامه‌نگار» خوانده می‌شود، دو سال بعد در ۱۲۹۴ در نمایشی با همین عنوان به نگارش در می‌آورد. مؤید الممالک معتقد است که روزنامه و تئاتر تنها زبانی‌ست که می‌توان با آن مسایل دوران خود یعنی قانون خواهی و تجددطلبی را بیان کرد و بدین ترتیب تلویحاً نا کارایی شیوه‌های بیانگری کهن به ویژه شعر را خاطر نشان می‌کند، و این، به ویژه در این گفته‌ی معاون به منشی باشی، در نمایش «حکام قدیم، حکام جدید» دیده می‌شود: «عقیده‌ی بنده این است که این شعر مخصوص قرون پیش بوده نه امروز که قرن بیستمش می‌خوانند». مؤید الممالک از روزنامه و نمایش به بهترین وجهی سود می‌جوید. او در روزنامه تحلیل می‌کند و در نمایش نشان می‌دهد، و البته از هر یک در دیگری مدد می‌گیرد، در روزنامه‌اش، نمایش چاپ می‌کند و در نمایش‌اش

مقاله می‌خواند.

روح دوران مشروطیت را در هر یک از وجوه آثار نمایشنامه نویسنده: زبان، فضا، درونمایه و شخصیت‌ها می‌توان یافت. گفتمان مسلط در جنبش مشروطیت روح قانون خواهی و تجددطلبی‌ست. گرایش مؤید الممالک به روزنامه و تئاتر به شکلی نمادین این روحیه‌ی تجددطلبی را نشان می‌دهد، او در نمایش‌های خود پای‌بندی به قانون را تبلیغ می‌کند. خسروخان پس از توفیق روزنامه می‌گوید: «ما که با دولت یاغی نشده‌ایم، حالا کاری‌ست یا موافق قانون یا مخالف قانون شده و گذشته است. باید مطیع اوامر دولت بود». مؤید الممالک خواستار توزیع قدرت است و در برابر تفکر حاکم و منشی باشی که حاکم را مظهر پادشاه و پادشاه را مظهر خدا می‌دانند، گفته‌ی رییس عدلیه را می‌نهد که: «در غیاب و حضور حکومت از برای ادارات قانونی تفاوت ندارد...» مؤید الممالک به شدت خواستار مظاهر نوین زندگی و شکل حکومتی متجدد است، اما در عین حال این موجب نمی‌شود که او خطرات این مظاهر نوین را هشدار ندهد. او حتی در مورد

آموزش تار و سه تار

■ آموزش تار و سه تار
■ تالیف و تصنیف: دکتر اسدالله حجازی
■ انتشارات روزنه



تشریح قسمت‌های مختلف آن اشاره شده است. کتاب دوره سوم و چهارم نیز در چهار بخش ارائه شده شامل

- آشنایی با پیش درآمد، رنگ و قطعات ضربی در موسیقی ایرانی
- آشنایی با آتودهای مختلف در گام‌های ماژور و مینور و ایرانی
- تمرین‌های دو - سه - چهارنوازی در فرم‌های مختلف
- آکوردهای دو - سه و چهار تایی در گام‌های مختلف موسیقی ایرانی که مولف به یکی از اشکالات مهم در آهنگ‌های ایرانی یعنی یک صدایی بودن ملودی‌های آنها که حالت مونوتونی را به وجود می‌آورد اشاره می‌کند. و متذکرمی شود که تا به امروز برای چندصدایی کردن ملودی‌های ایرانی قوانین مستندی وجود نداشتند و اغلب آهنگسازان نیز با این مشکل روبه رو بوده‌اند. در این بخش سعی شده در چند گام متفاوت ایرانی صداهای مناسب (دو و سه و چهار صدایی) نسبت به مطبوعیت آن آکورد یعنی از گرد که بهترین آکورد است، شروع و تا دولا چنگ که تا حدی قابل قبول است ختم گردد.

همچنین به این نکته نیز اشاره شد که هنرجو پس از فراگیری دوره سوم می‌تواند دوره ردیف‌نوازی و تکنیک‌های مضرابی را با توانایی و اطلاعاتی بیشتر به اتمام رساند.

کتاب در قطع رحلی و در دو جلد (دوره اول و دوم - دوره سوم و چهارم)، با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۲۷۹۰ تومان منتشر شده است.

تحولات در زمینه موسیقی ایران که موجبات پدید آمدن پایه و اساسی علمی و مستحکم مبتنی بر اصول باشد و بتواند تمامی تجربیات گذشتگان را دربر بگیرد و همزمان با ارائه تکنیک و شیوه‌های نوین زمینه‌ای جامع جهت هر نوع نوآوری و ترقی و پیشرفت موسیقی را ممکن سازد، تلاش تمامی پیشکسوتان و استادان معاصر بوده است.

اثر حاضر نیز گامی است در نیل به این راستا و رسیدن به هدف اصلی که همانا اشاعه موسیقی ایرانی با روش و اسلوبی نوین است. اینک چاپ چهارم این کتاب با گسترش و بازنگری (ارائه تمرین‌های بیشتر و آسانتر در مراحل اولیه آموزش جابجایی و تقسیم‌بندی بهتر دروس) در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

نگارنده با ذکر این نکته که توانایی فراگیری موسیقی در ارتباط با خواص ذاتی و استعدادها نهفته هر فرد می‌باشد، بی‌شک قدرت تفهیم مطالب موسیقی نیز در افراد متفاوت خواهد بود. به همین دلیل، در آموزش موسیقی باید روش‌های متفاوتی برای تدریس انتخاب شود. بنابراین در بخش آموزش تار (دوره اول و دوم)، با رعایت نکته بالا، روش‌هایی جهت فراگیری تار برای سنین مختلف و با استعدادهای متفاوت به طور نسبی پیشنهاد و تقسیم‌بندی شده است. چنان که در دوره اول به مفاهیم اولیه، آشنایی با سیم‌های تار، آشنایی با نت‌های بالا دسته، آشنایی با علامات کشش و کاهش کشش و موارد دیگر اشاره شده است و در دوره دوم نیز به موضوعاتی چون علامات تغییردهنده و آشنایی با آن، آشنایی با میزان‌های ترکیبی، آشنایی با سی‌بمل و... و آشنایی با فرم‌های مختلف و چهار مضراب، آشنایی با دونوازی، آشنایی با ساختمان تار و

روزنامه، که آن همه دلبسته‌ی آن بود، از زبان یکی از تیپ‌های «سرگذشت یک روزنامه نگار» می‌گوید: «روزنامه منشأ خیر و شر است» و در همین نمایش لیه‌ی تیز نقد خود را متوجه تازه به دوران رسیده‌هایی همچون مذذب‌الملک می‌کند، ضمن آن که رفتارهای دوگانه‌ی یونس خان را نیز از تیغ نقد بی‌بهره نمی‌گذارد. یکی از مایه‌های تکرار شونده در آثار مؤیدالممالک مایه‌ی شکوه است، تقریباً همه‌ی پرده‌های نمایش‌های او با شکایت یکی از مستخدمین که غالباً نقش چندانی در نمایش ندارد، آغاز می‌شود. پس از این نمایش به گونه‌ای گسترش می‌یابد که گویی نویسنده هدفی جز توسعه‌ی شکایت نخستین نداشته و انگار که خود او با شخصیت نمایش همصدا شده است.

بنابراین شاید بتوان به تسامح نمایش‌های مؤیدالممالک را نمایش شکایت و هشدار نامید. در پرده‌ی «حکام قدیم» او از شیوه‌ی استبدادی حکومت شکایت می‌کند و در پرده‌ی «حکام جدید» نسبت به حیات مجدد همان شیوه‌ها هشدار می‌دهد.

در همه‌ی نمایش‌های او سمت و سوی اصلی نقد متوجه دیوانسالاری اداری است که با مشروطیت زاده شدند، اما روح ارتشا و ستمگری حکومت قدیم همچنان در آن‌ها زنده است.

نمایش «حکام قدیم، حکام جدید» از این جهت بسیار جالب توجه است. همچنان که نام نمایش دو بخشی است، همه‌ی عناصر نیز در این نمایش به دو بخش تقسیم می‌شوند. اما نمایشنامه‌نویس هوشمندانه هشدار می‌دهد که این تغییر را چندان جدی نگیریم. اگر پای‌بندی به گفتمان اصلی مشروطیت یعنی قانون و تجدد نباشد، این تغییر بنیادین نخواهد بود. از همین رو رفتار حکومت قدیم به سادگی قابل ترجمه به رفتار ظاهری دوران جدید است. فراش باشی و منشی باشی به مجری دیوان و ندیم دیوان تغییر عنوان می‌دهد، بی آن که شیوه‌ی آیین استیفا و احتساب دگرگون شده باشد. حاکم نیز به جای آن که روی زمین بنشیند و قلیان دود کند، بر روی صندلی سیگار می‌کشد. یا عیایان پیشین به «مقصرین پولیتیک» دوران جدید بدل می‌شوند. و در مجموع، در فقدان قانون و پای‌بندی به روح تجدد، حکومت جدید جز تداوم حکومت قدیم نیست. نویسنده این مضمون را به خوبی در باقی ماندن میراث حکومت خان حاکم در خاندان او [حکومت پسرش جاهدالملک در دوران پس از مشروطیت] نشان می‌دهد.

هشدار مؤیدالممالک به زمان او محدود نمی‌ماند و به دوران خواننده‌ی امروزی که همچنان ناظر چالش میان سنت و تجدد و قانون و بی‌قانونی است تسری می‌یابد، و این همان منظره‌ی است که ما از ابتدا کوشیده‌ایم از طریق آن به تیاتر مؤیدالممالک نظر کنیم، زیرا بنیاد مسایل دوران ما همچنان بر مرده ریگ گفتمان اصلی مشروطیت تنفس می‌کند. برای ما فُکلی‌های عصر جدید، نمایش‌های مؤیدالممالک همچنان قابلیت خواندن را، نه به عنوان اثری از دورانی سپری شده، بل همچون تمثیلی برای دوران معاصر دارد.